

صبح ایران



محمد جواد لاریجانی، مدیر «پژوهشگاه دانش‌های بنیادی» تصریح کرد

رساله علمی پرچمدار اصالت علمی

ثقه الاسلام در ایران و عتبات عالیات، فقه، اصول، حکمت، کلام، تاریخ، جغرافیا، نجوم، ادب، علم رجال و کتاب‌شناسی آموخته بود. او به فارسی، عربی، ترکی و فرانسه تسلط داشت و در علم تاریخ، کلام و مثنوی شناسی صاحب‌نظر بود. وی را در فن سخنوری توانمند دانسته‌اند. او به فلسفه و عرفان نیز علاقه داشت. مطالعه روزنامه‌ها و جراید مهم عربی در تجدد و روشنفکری او تأثیر بسزایی داشت و اطلاعاتش درباره نظام‌های جدید اجتماعی، مجالس وعظ و خطابه او را جایگاه هدایت افکار مردم ساخت.

ثقه الاسلام از آغاز جنبش عدالت خواهی و سپس مشروطه‌طلبی، در زمره حامیان جدی آن قرار داشت، آنها به تهران شد. پس از پیروزی نهضت مشروطه، به هنگام رای‌گیری برای انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی، وی بیشترین رأی را در میان علما به دست آورد، لیکن نمایندگی را نپذیرفت.

پس از ورود روس‌ها به شهر، ثقه الاسلام به مناسبت عید نوروز ۱۲۹۰/ربیع‌الاول ۱۳۲۹ در روزنامه محلی تبریز مقاله‌ای نوشت و از مردم خواست به سبب وجود قشون بیگانه، از اجرای مراسم سنتی نوروز خودداری کنند. در نتیجه، اکثر اهالی تبریز آن سال عید نگرفتند. برخی درج این مقاله را یکی از عوامل مؤثر در اعدام او به دست روس‌ها دانسته‌اند.

ثقه الاسلام با مشاهده تجاوز روس‌ها خواستار مقابله مجاهدان شد و حتی کتبه‌به امیرحشمت نیساری، رئیس شهربانی تبریز، اجازه دفاع داد. این امر موجب شد که تبریز یکباره بسپح شود و باروس ساخت درگیر گردد.

در سال ۱۳۲۹ ماجرای داستان اولتیماتوم روسیه به ایران در مورد مورگان شوستر آمریکایی، مستشار مالی پیش آمد که خواهان اخراج او از ایران بودند. این اولتیماتوم منجر به تعطیلی مجلس دوم و اخراج شوستر شد. در این اوقات کفالت حکومت بر عهده ضیاءالدوله بود و تبریز در محاصره شجاع‌الدوله و در شهر آذوقه نبود. مجاهدان مسلح و سالدات‌های روس در شهر فراوان و به دنبال بهانه برای درگیری روس‌ها خواهان خلع سلاح مجاهدان بودند و به همین منظور به ضیاءالدوله فشار می‌آوردند تا این دستور را صادر کند اما ضیاءالدوله چندان تمایلی بر این امر نداشت. درگیری بین این قوا در شهر آغاز شد امیرحشمت نیساری که ریاست نظمیه را برعهده داشت از ثقه الاسلام چاره جویی کرد و ثقه الاسلام که همیشه به دنبال راهی برای گفت‌وگو بود این دخالت مستقیم قوای اجنبی را تاب نیاورد و خطاب به امیرحشمت گفت: «علیکم بالدفاع یعنی بر شما باد دفاع کردن.»

روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

ستیز با مزدوران دست‌نشانده



اما گریبایدوف همه نیروهای خود که ۲۰۰ تن می‌شدند را جمع کرده و به حفاظت از خانه و محل کنسولگری پرداخت. دولت و شاه هم نیرویی برای جلوگیری از قیام مردم فرستاد که ملت به سرزنش آنان پرداختند. میرزاسمیح برای بار سوم و اتمام حجت، نزد گریبایدوف نماینده فرستاد که این بار مزدور روسیه، آنها را شهید کرد و سایر افراد او نیز از زوری درها و بام به سوی مردم، تیراندازی کرده که موجب شهادت تنی چند از آنها گردید.

مردم با اذن میرزا مسیح، از مسجد بیرون آمده و به سوی سفارت و کنسولگری حرکت کردند. شاه برای ممانعت از حرکت مردم، ظل السلطان و جمعی از دولتیان را فرستاد که توسط مردم به سنگ و چوب گرفته شدند. مردم عصبانی از در و دیوار وارد خانه گریبایدوف شدند و او ۳۷ تن از افرادش را به قتل رساندند و خانه را نیز ویران کردند. خود نیز بنا بر برخی آمار از یک تا ۸۰ تن تلفات دادند. شاه برای دلجویی از امپراتوری روسیه، یکی از سران حمله به کنسولگری روسیه را اعدام کرد، جنازه‌ها را با احترام به کلیسا برد و بازمانده سفارت را مورد نوازش قرار داد و حاجی میرزا مسیح تهرانی را تبعید کرد.

تبعید میرزا مسیح می‌رفت که شورش دیگری ایجاد کند که با تدبیر مرحوم کلیاسی، سرانجام میرزا مسیح مجتهد، شبانه و به دور از چشم مردم به عتبات عالیات سفر کرد.

ثقه الاسلام در برابر اولتیماتوم روس

دیگر روحانی مبارز که در مقابل هجوم بیگانه به خاک میهن ایستادگی کرد و در این راه به شهادت رسید، میرزا محمدعلی تبریزی معروف به «ثقه الاسلام» بود.

زنان مسلمان را با خود برده و هتک حرمت می‌کردند. شکایت مردم به دولت و حکومت، افافه نکرد و گریبایدوف همچنان به ظلم و ستم خود ادامه می‌داد تا این که اسارت دوزن مسلمان در کنسولگری روسیه در تبریز، خون مردم را به جوش آورده و به مقام افضل الفضا مجتهد معروف زمان، حاجی میرزا مسیح شکایت بردند و ظلم خواهی ملت لکه دار شده بود. جنگی که حدود ۱۰ سال پیشترین خارجی و بیگانه شکوه کردند.

حاجی میرزا مسیح به حکم وظیفه مسلمانی در ابتدا دست به هیچ عملی نزد و مراتب امر به معروف را حتی نسبت به بیگانه نیز رعایت کرد. او کسی را نزد گریبایدوف فرستاد و استرداد آن دوزن مسلمان را طلب کرد اما گریبایدوف به جای پاسخ منطقی و رعایت ادب و نزاکت، از بی تفاوتی دولت و شاه نالیدند و از ظلم و ستم به عالم جلیل القدر اسلام توهین کرد. جهانگیرمیرزا پسر عباس میرزای نایب السلطنه در ادامه می‌نویسد:

«... مردم از این بی‌اعتنایی و غرور پریشان شده، محلات و محلات را خیر کرده و جمیع کسبه و رعایا از زن و مرد، اسلحه پوشیده و اکثر نوکر باب دولتی نیز به جهت اسلام، ترک آمدن ازگ مبارکه را کرده، به دولت‌سرای مجتهد العصر و الزامی جمع آمدند...»

خبر به سرعت در سراسر کشور پیچید و به یک مسأله ملی تبدیل شد. میرزا مسیح به همراه مردم به مسجد جامع رفت و بازاریان نیز به مردم پیوستند. بازمم مرحوم مجتهد مسیح تهرانی خواست که موضوع با مسالمت و مصالحه حل شود و نمایندگانی نزد گریبایدوف فرستاد و از وی مجدداً درخواست استرداد زنان مسلمان را کرد.

پس از شکست ایران در جنگ با روس و تحمیل قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای توسط عوامل فراماسونری و انگلیس به این کشور، غرور ملی و مذهبی ملت لکه دار شده بود. جنگی که حدود ۱۰ سال پیشترین نیرو و مخارج را از مردم و کشور صرف کرد با شکستی خفت‌بار، موجب غم‌زدگی ایرانیان شد. در این میان، مزدوران بیگانه و عوامل روس با سوءاستفاده از همان قراردادهای تحمیلی تحت عناوین مختلف مانند وزیرمختار یا نماینده تزار یا مانند آن، به ایران آمده و امتیازات مختلف و گسترده‌ای برای خود طلب می‌کردند، اراضی مردم را متصرف شده، به جان و مال و ناموس مردم تجاوز می‌کردند، هرآنچه ظلم و ستم بود بر سر مردم بی‌گناه آوار می‌ساختند درحالی‌که قشون نظامی و انتظامی کشور قدرت و جرات کوچک‌ترین مقاومت و ایزاز وجود را در برابرشان نداشتند. ازجمله این افراد الکساندر سرگوتویچ گریبایدوف بود که به عنوان وزیرمختار با هیأتی به ایران آمد.

او در مسیر ورودش تا تهران، با مردم ایران به بدرفتاری پرداخت و آنچنان که مولف «ناسخ‌التواریخ» می‌نویسد «سخن به غلطت و خشونت همی گفت.» همراهان وی در بین مردم با باده‌گساری و میخواری به تحقیر آنان می‌پرداختند و حتی به بهانه یافتن زنان گرجی، خانه‌های آنها را مورد تجاوز قرار دادند و به عنوان اهالی گرجستان،

گفت‌وگوی «جام‌جم» با مصطفی محدثی خراسانی به مناسبت هفته کتاب

واقعیت بی‌برنامگی!



کتاب‌های زرد به جای حل مسأله، مخاطبان خود را در مشکلات غرق می‌کنند

«زرد» کم عمق

گفت‌وگوی «جام‌جم» با محمد شهباز درباره موانع اقتباس سینمایی

جای خالی کارگزار ادبی در سینمای ایران



نگاهی به فعالیت‌های معاونت فضای مجازی نشان داد

توسعه فضای امن فرهنگی در کودکانه‌های تلویویون

گزارش اختصاصی «جام‌جم» از جزئیات سری پنجم یک سریال طنز موفق که این روزها در حال تولید است

نون خ روایت وطن دوستی ایرانی



یادداشت

مجید اخشابی | آهنگساز و خواننده

موسیقی حماسی؛ جنگ نرم ولی واقعی



به گواه تاریخ، موسیقی سوک، سور و حماسه همیشه همپای بشر در کنار شادی‌ها و غم‌ها و نبردهایش حضور و ظهور داشته است. بشر

همیشه از موسیقی برای تشدید احساسات خود کمک گرفته است. جایی که شاد بوده برای بسط و اشاعه شادی خود و دیگران از موسیقی بهره برده و جایی که غمگین بوده از موسیقی برای متن لحظات غمبارش استفاده کرده تا مرهمی باشد برای رنج‌ها و دردهایش، همچنین جایی‌که به جنگ و نبرد پا گذاشته از موسیقی برای تهییج قوای روحی و تشدید شجاعت و تهور و جنگاوری خود و هم‌زمانش بهره برده و جالب این که همیشه این موسیقی بوده که به مثابه سلاحی قدرتمند در همه کارزارها پیروز میدان بوده است. از جایی که انسان به معجزه موسیقی و رزم و نبردی پی برده است رسماً موسیقی نظامی را شکل داده که هم اکنون هیچ کشوری نیست که از موسیقی نظامی در مقاصد حماسی و نظامی بهره نبرد. اعجاز موسیقی در زبان برای دگت‌وگو و مکالمه است و شاید موسیقی حماسی را بتوان جنگ واقعی ولی نرمی دانست که قبل از شروع نبرد، هندارهای بازدارنده ترساننده منصرف‌کننده به حریف می‌دهد و با این پیام‌ها گویی احتراز و عدم تمایل به جنگ را فریاد می‌زند.

چنین رویکردی در میادین جنگ قدیمی به رجزخوانی مشهور بوده است که در نوع خود بسیار قابل توجه است. برخی از نگاه ساختار/شالوده‌شکنی یا دیکانستراکشن دریدایی به موضوع (خلق هنری) می‌پردازند و چنین پیشنهادی می‌دهند در حالی‌که برپایه این اندیشه بریدار در هنر با فروریزختن، سراسخن و نوسازی می‌توان به خلق اثر جدید رسید. البته پرداختن به این نگرش در نوع خود جامل بسیار دارد و فرمولی نیست که همه‌جا و همه‌کسی از آن بتواند ضمن کسب توفیق استفاده بکند. در ساختارهای اجتماعی هم نباید این مفهوم (دیکانستراکشن) با آنارشیسم آمیخته و مغالطه شود اما باید گفت همه انقلاب‌ها به نوعی از این روش بهره می‌برند و در خود شالوده‌شکنی و نوسازی دارند. نکته مهم دیگر نیز این‌که همه انقلاب‌ها را باید تبیلور امواج فروخته فرهنگی دانست که با بیان و مانیفستی رفرم شده متجلی می‌شوند.

موسیقی برخاسته از سینه هنرمندان و مردمان انقلابی اگر با درایت و مهارت ساخته شود، قدرت جریان‌سازی، برانگیزانندگی، یکپارچه‌سازی و ایجاد انسجام و نهایتاً



سیدمستفائی مستندساز و کارشناس سینما

نیرو و مخارج را از مردم و کشور صرف کرد با شکستی خفت‌بار، موجب غم‌زدگی ایرانیان شد. در این میان، مزدوران بیگانه و عوامل روس با سوءاستفاده از همان قراردادهای تحمیلی تحت عناوین مختلف مانند وزیرمختار یا نماینده تزار یا مانند آن، به ایران آمده و امتیازات مختلف و گسترده‌ای برای خود طلب می‌کردند، اراضی مردم را متصرف شده، به جان و مال و ناموس مردم تجاوز می‌کردند، هرآنچه ظلم و ستم بود بر سر مردم بی‌گناه آوار می‌ساختند درحالی‌که قشون نظامی و انتظامی کشور قدرت و جرات کوچک‌ترین مقاومت و ایزاز وجود را در برابرشان نداشتند. ازجمله این افراد الکساندر سرگوتویچ گریبایدوف بود که به عنوان وزیرمختار با هیأتی به ایران آمد.

او در مسیر ورودش تا تهران، با مردم ایران به بدرفتاری پرداخت و آنچنان که مولف «ناسخ‌التواریخ» می‌نویسد «سخن به غلطت و خشونت همی گفت.» همراهان وی در بین مردم با باده‌گساری و میخواری به تحقیر آنان می‌پرداختند و حتی به بهانه یافتن زنان گرجی، خانه‌های آنها را مورد تجاوز قرار دادند و به عنوان اهالی گرجستان،